

تحلیل يك روحانی نمای وابسته از امام خمینی (ره)

رؤیم شاه، برای هر چه بیشتر وارد آوردن ضربه به نهضت اسلامی و انقلابی مردم مسلمان ایران، و تضعیف جایگاه حضرت امام خمینی در مبارزه، از هر وسیله ممکن بهره می جست، که از آن جمله می توان به عوامل نفوذی و تعدادی انگشت شمار روحانیون وابسته به حکومت پهلوی نام برد.

ساواک، که به تبعیت از شاه، در پی ایجاد تفرقه بین علما و مراجع بود، تا بدین وسیله از محبوبیت و توانایی های امام در هدایت مبارزه علیه طاغوت بکاهد، با اعزام یکی وابستگان خود به نام «نخعی» معروف به «افصح المتکلمین» خدمت آقایان «حاج شیخ عبدالنبی عراقی»، «سید کاظم شریعتمداری» و «حضرت امام خمینی» سعی در کسب نظرات علما و مراجع برآمد که گزارش مکتوب ملاقات و صحبت های او، با هر یک از آقایان، به طور مشروح برای ساواک ارسال شده است.

در مورد این گزارش، نکاتی قابل توجه وجود دارد، از جمله:

۱. امام خمینی - برخلاف دیگران - به این فرد اجازه سؤال نمی دهد، بلکه خود شروع کننده سؤال است و به این وسیله جلوی سؤالات مورد نظر وی را می گیرد.
۲. صلاحیت امام از میان گزارش این روحانی وابسته، به خوبی مشخص است.
۳. استنباطات نخعی که در این گزارش آمده، کاملاً یک استنباط شخصی می باشد و دلیل بر مواضع و نظرات کسی نیست.

تحلیل یک روحانی نمای وابسته، از امام خمینی (ره)

نخست وزیری سازمان اطلاعات و امنیت کشور س.ا.و.ا.ك

تاریخ: ۴۲/۲/۱۷...	گیرنده: مدیریت اداره کل سوم
شماره: ۱۴۳.....	فرستنده:
شماره پرونده گیرنده:	شماره عطف:
شماره پرونده فرستنده:	پیوست ۱ برگ

محرماتہ

موضوع:

محترماً معروض میدارد آقای علی نخعی معروف به افسح المتکلمین چند روز قبل شخصاً بقم عزیمت و با آقایان روحانیون ملاقات و چگونگی را در برگ پیوست بنحو مؤثر تشریح نموده. و ضمناً نظریه داده که در حال حاضر یگانه کسی که میتوان از لحاظ فضل و مقام علمی مورد توجه مردم و مرجع تقلید قرار گیرد ایت اله حاج عبدالنبی عراقی مقیم قم میباشد علیهذا در صورت استقرار اراده عالی و با توجه بمفاد نامه نامبرده بالا مستدعی است مقرر فرمایند موقعیت آقای شیخ عبدالنبی عراقی از ساواک قم استعمال که در صورت لزوم تصمیم مقتضی اتخاذ گردد. نشاط

۴۲/۲/۱۷

اصل در پرونده کلی
روحانیون بایگانی است
به پرونده آیت الله خمینی
ضمیمه و بایگانی شود

۴۲/۲/۲۴

آقای شهابی

۱. موقعیت شیخ عبدالنبی از ساواک قم سؤال شود
۲. از مفاد گزارش ... در گزارش ... استفاده شود

۴۲/۲/۱۷

حضور محترم جناب آقای سرهنگ نشاط دامت برکاته

محترماً. اینانب که بقم مسافرت کرده بودم ملاقاتهایی از آقای حاج شیخ عبدالنبی عراقی، و آقای حاجی شریعتمداری و آقای حاج آقا روح الله خمینی نیز بعمل آوردم که مقصودشان را از مخالفت خوانی نسبت بدولت تحقیق نمایم.

موقعی که عقیده آقای عراقی را راجع بحوادث قم پرسیدم، پاسخ گفتند که بعقیده من هر دو دسته، هم مسئولین دولت و هم مراجع روحانیت تجاوزکاری کرده اند. زیرا مسئولین دولت تکلیفشان انحصاراً اجرای قانون اساسی میباشد که دخالت زنان را در رتق و فتق قوه مقننه نفی و نهی نموده بود. و دلیلی موجود نبود که در دوره فترت توسط تصویب نامه مداخله ایشان را در انتخابات تجویز کنند که دینداران را ناراضی گردانند و در راه اسکانشان ناچار بعملیات تجاوزآمیزتری شوند که در دنیا انعکاس سوء ایجاد کند. و در مقابل آنها آقایان هم سنخ خود به هم متجاوزند. دلیلش اینست که تکلیف قبلی ایشان این بود که به پیروی از ائمه علیهم السلام مسئولین امور را امر بمعروف و نهی از منکر کنند. در صورتی که ترتیب اثر می دادند، دینشان انجام، و دینشان استحکام پذیرفته بود و در صورتی که ترتیب اثر نمیدادند، دینشان بنا بقاعده و ما علی الرسول الا البلاغ المبین. انجام یافته تلقی میشد و دنبال کار روزمره خودشان را می گرفتند. و دیگر روا نبود دست بیقه دولت بزند که دولت تصویبنامه ملقی شده اش را بخاطر لجبازی ایشان نیز زنده کند. دو دفعه عقیده ایشان را جويا شدم که حالا تکلیف چیست؟ فرمودند همانطور که برای آقایان پیغام داده ام بالفعل مصلحت در سکوت است؛

و در ملاقات با آقای شریعتمداری، ایشان نیز پس از مقدماتی تذکر دادند. در این جریان نظر باینکه نگاه کردیم مقامات اجنبی بجهت تأمین نیت های استعماری روزافزونشان نمایندگی نسوان را بهانه نفوذ و رسوخ خود در مجلس های ایالتی و ولایتی و شورا و سنا قرار داده اند. و دیانت تکلیف فرداً فرد ما را مبارزه با اعادی دین مبین نموده دوستانه نصیحتشان کردیم که مخالف فحوی همان قانونی که خود فحوی آن نامیده میشوند عمل نکنند. در حالی که ایشان نسبت بما مشغول لجبازی شدند و باید هم همینطور میشد. زیرا اعضاء این دولت نه عقیده دارند، و نه عقل. عقیده ندارند. دلیلش اینست که طبق قواعد دین نسوان نباید در امور سیاسی و قضائی اظهار رأی کنند و در صورتی که ایشان اعتقاد داشت تصویبنامه مبنی بر شرکت زنها در شئون که نهی شده

است تهیه نمیکرد. و عقل هم ندارند. دلیلش اینست که طی این نوزده بیست ساله اخیر راسخ ترین نگرهبانهای استقلال مملکت، و تاج و تخت سلطنتشان نوعاً امثال ما روحانیتی بوده ایم که مانع از اخراج شاه از مملکت، و تسلط طرفداران بالشویک بر دولت میشده ایم، و ملک و مال و مذهبشان نگاه میداشتیم. مسلماً اگر عقل میداشتند بنا به چنین زمانی که نخست وزیر روسیه، خروشچف بدیدن پاپ اعظم رفته و تحفه هائی برای روحانیت تقدیم میکند، دولت ایران که با سلامت تظاهر به مسلمانی میکند دهها کامیون نظامی مسلح هدیه بقم بفرستند و درندگیهائی بکنند که در رادیوهای همان ممالک کمونیست تویخ و تنقیدشان نمایند؛ در این هنگام آقای شریعتمداری رشته سخن را بمباحث دیگری رسانیدند که داعی بنوشتن آنها نیست. مگر اینکه وقتی پرسیدم من بعد چه تصمیم دارید گفتند در راه حفظ دینی که بماسپرده شده دفاع خواهیم کرد؛

و در ملاقات با آقای حاج آقا روح الله خمینی نیز زمانی که اینجانب باطاق اندرون رفتم مباشر ایشان آقای ورامینی آمد گفت تهراینهائی از برای دیدن ایشان آمده اند. آقای خمینی گفتند در موقعی که فلانی اینجا هستند دیگران را نیاورید. من گفتم مایل نیستم مزاحم مراجعین آقا بشوم. متقابلاً آقای خمینی گفتند که خیر، من خودم که مستحضر شدم شما بقم مشرف شده اید دوست داشتم ملاقاتتان نمایم. متنی بر شما ندارم. و متعاقب بیان بالا از من پرسیدند دیدن مدرسه فیضیه رفته اید گفتم بلی. و یک بیت از قصیده دعبل را بتناسب با انتظار ایشان خواندم که میگوید

مدارس و آیات خلف من تلاوت و منزل وحی متنفر العرصات

آقای خمینی گفتند خوب. بطور کلی تهران نسبت باین نهضت چگونه قضاوت میکنند؟ گفتم مردم مختلف فکر میکنند، دستجات تجددخواه که هوادار رفتن نسوان بمجلس مقننه اند دلخوش شده اند که دولت تقاضای روحانیین را نپذیرفته است. و تحقیقاً قضاوتشان نامطلوب میباشد. و دستجاتی که تابع عقائد دینند و دعوی وکالت زنان را نامشروع میدانند دور و نزدیک کمکار روحانیین میباشند. در عین حالت تکیه ای بایشان نمیشود داشت زیرا اکثر آراهنمای این دسته هم معمولاً ائمه جماعت، و وعاظ ظاهرالصلاحی هستند که دلشان نمیخواهد در حال بودن نجف اشرف فقهاء قم مرجع تقلید شوند و دسترسی سایر مردم بمرجع تقلیدشان نزدیک باشد. در نتیجه هیچوقت تصور نمیکنم که حضرتعالی بتوانید در سایه همکاری این نوع علمای استفاده جوی ایران

نظریات خودتان را در مبارزه همراه هیئت حاکمه ای که همه موجبات تبلیغ و تطمیع و تهدید را در اختیار دارند پیش ببرید؛

در اینموقع آقای خمینی پرسیدند در اینصورت تکلیف چیست؟ گفتم من نبایست تکلیف فقیه را معین کنم. منتهی از آنجائیکه شنیده ام آقای حاج آقا روح الله کمالوند را اعزام فرموده بودید دیدن نخست وزیر راه حلی یافته و ترمیمی بدهند، دلخوش شدم و میخواستم عرض کنم محققاً اقدام بصلح و اصلاح حضرتعالی با دولت خیلی بموقع است؛

گفتند نه خیر آقا. اما معمینی را که فرمودید دو رنگ هستند دانه دانه آنها را از محرابی و منبری و روضه خوان. و واعظ های شهیرشان را اخیراً شناخته ایم که مردهای هنگفتی هم از دولت دریافت می کنند، و دو مرتبه بدامشان نخواهیم افتاد. و درباره آقای کمالوند هم ما ایشان را اعزام نکرده بودیم. بلکه آقای کمالوند را دولت طلبیده بود است و تلفناً از ما استجازه کردند که در سر راه اول بقم بیایند. در جوابشان عرض کردم مطلقاً راضی بآمدنشان نیستم و مادام که این دولت (علم) مصدر کار باشد داخل هیچقسم مذاکره صلح و مصالحه ای نخواهیم شد، زیرا این دولت ترتیبی با آقای علم معامله کرده است که تماس سران حوزه علمیه همراه او افتخار روحانیت است، و تلفناً که اختیار روحانیت با ما است تن بچنین صلح و اصلاحی نخواهیم داد. و دلیلی هم محض اصلاح حاضر نمی بینیم. مگر ما چه کرده بودیم که مستحق قلع و قمع علیل النفس هائی ایشان ایشان باشیم.

ما موقعی که یقین پیدا کردیم که محافل لامذهب بهائیهای یهودی الاصل ایران و امریکا اراده دارند درخواست تساوی حقوق زن و مرد را آلت تجاوز بحریم مذهب رسمی این مملکت قرار دهند و دین اسلام را که موجب بقاء استقلال ظاهری این ملک و ملت است تضعیف کنند دوستانه نامه هائی از برای این دولت نوشتیم که مواظب باشند دولتهای همسایه همواره روابطشان نسبت بشما اینطور روشن نمی ماند. و دو دفعه امکان دارد در صدد دست درازی باین ملک برآیند. در صورتی که ایمان و اعتقاد مردم بقرآن و قانون اساسی سالم مانده باشد در برابر اجانب بمراتب بهتر از ارتش شما ایستادگی میکنند. و دین ما، و دولت شما محافظت میشود. و درخواست کردیم که مجدداً از زمزمه موهون نمایندگی نسوان که نقض ظواهر قران میباشد دست بردارند.

دفعه اول اظهار کردند که دست برداشته اند. در حالی که یکی دو ماه بعد درك کردیم که میخواهند در فرآیند مقصود دشمنان نوامیس و مردم را بنام اصلاح قانون انتخابات تجدید کنند. دچار رعشه شدیدی شده همراه آقای بصیرت تبادل نظر کردیم. ما بین آنها اشخاصی صلاح را خاموشی دانسته و تذکر دادند دیگر وظیفه ما انجام شده. هرگاه اعلام مخالفت کنیم موجودیت حوزه علمیه قم بمخاطره میافتد. دقت کرده دیدم مطلب بعکس استنباط طبقه احتیاط کار است. تشکیل این حوزه و حوزه های مشهد و کربلا و نجف و مصر رویهمرفته تعلیم و تعلم مباحث حلال و حرام دینانی است که تسلیم ما اجازه می داد دستگاه اصل آن دین را نابود کند. و در صورت اضمحلال اصل، بقاء فرع عموماً معنا ندارد. درك خودم را محض طلاب بیان کردم و مصمم شدم مثل حضرت سیدالشهداء از برای حفظ اصل دین با ایادی دولت ظلم مبارزه کنم. و مادام که مامورین آنها از زور و ظلم و ملاحبه با احکام الهی دست برندارند، من نیز از مجاهده دست برنمیدارم. مثل اینکه اخیراً که اطلاع یافته ام وزیر دادگستری این دولت معلوم الحال لایحه ای تنظیم میکند که مردهای غیرمسلمان و نیز زنهای حقوقدان حق قضاوت در مملکت اسلامی ایران را داشته باشند در فکر افتاده ام متقابلاً اعلامیه ای انتشار بدهم که مبنای طرح او را با اسلام متذکر شوم، و ماهیت تشکیلاتشان را نمایان کنم؛

مطلب باینجا که انجامید درخواست کردم مرا مرخص کنند. و در صورتی که امری بمن دادند در تهران انجام بدهم. گفتند نه خیر فقط تبلیغ کنید. ایام محرم موقع مناسبی بجهت تبلیغ است. تصمیم دارم مکاتیبی برای اهل منبر و وعاظ خوزستان و شیراز و لرستان و تبریز و یزد بنویسم و متکلمینی هم بفرستم ماه محرم مردم را مستبصر و روشن کنند. در تهران هم شما آقایان نکات تاریک کارهای ظلمه را در منبرها تبلیغ بفرمائید. دعای خیر ما بدرقه راه شما خواهد بود.

دیدار من بدینصورت از آقایان انجام یافت. و تهران که برگشتم لازم دانستم متذکر شوم که میان آقایان علماء امروزه قم مثل آقایان عراقی و شریعتمداری و خمینی و گلپایگانی و نجفی مرعشی. هرچند اکثراً مخالف دولت میباشد. ولی از همه متهورتر آقای خمینی است که تصادفاً یکی دو ماه است ترقی غیرمنتظره ای نموده و هیچ چاره ای از برای رفع خطر مخالفتهای آینده ایشان نیست مگر اینکه یکی از علمای معتدل تر مانند آقای نجفی یا آقای عراقی تقویت شده دست او را از حوزه قم کوتاه کنند.

ولیکن نظر به اینکه آقای نجفی مثلاً بطرفداری از دربار و دولت معرفی و معروف شده است تصور نمیکنم تقویت ایشان نتیجه ای داشته باشد. و بهمین جهت تنها راه حلی که برای عقب نشانیدن نامبردگان بنظر میرسد اینست که آقای حاج شیخ عبدالنبی عراقی که عالمی متعمّرتر و موجه تر از سه چهار نفر رقیب و بخودی خود دارای مذاق محافظه کاری است توسط طرح های خیلی ماهرانه ای که نتوانند دست تهران را در آن طرح ها هویدا به بینند تقویت شود تا مرجعیت تقلید ایران منحصر بایشان گردد، و در راه اجرای این نظر راه هائی وجود دارد که در صورت لزوم معروض خواهم داشت.

تهران . ۱۱ / ۲ / ۴۲



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

گیرنده: بدینوسیله اداره کل سوم
فرستنده
شماره جلد
پرو
پیوست: ۱ برگ



نخست وزیر
سازمان اطلاعات و امنیت کشور
س.ا.و.ا.ک

تاریخ: ۲۲/۲/۱۷
شماره: ۱۴۳
شماره پرونده گیرنده
شماره پرونده فرستنده

موضوع: **محرمانه**

محترماً معروض میدارد آقای علی نخعی معروف به الفصح المتکلمین چند روز قبل بمقام
عزیزت و با آقایان روحانیون ملاقات و چگونگی وارد برگ پیوست بنحو موثر توضیح نمود .
و ضمناً نظریه اداره که در حال حاضر بگانه کسی که میتوان از لحاظ فضل و مقام علمی بترتبه
برد و مرجع تقلید قرار گیرد ایت اله حاج عبد اللیس عراقی قمی قم میباشد .
در صورت استقرار اداره عالی و با توجه بخفازی نامه نامبرده بالا مستحق است مقرر فرماید
موقعیت آقای شیخ عبد اللیس عراقی از سایر اقم استعمال که در صورت لزوم تصمیم
مقتضی اتخاذ گردد . نشاط

۲۲/۲/۱۷
د.ا.ک

محرمانه

اسم - پرونده که در بالای پرونده
پرونده استثنائی علیه و این پرونده
۶۵۶۴۴

۲۶ ۳/۱۲

تحلیل یک روحانی نمای وابسته، از امام خمینی (ره)

مقدمه

مقدمه: این کتاب که بسم الله الرحمن الرحیم شروع می شود، در بیان حقایق و اسرار الهی است. در این کتاب سعی شده است تا با روشی علمی و دقیق، حقایق کیهانی را که در قرآن مجید و احادیث معتبره بیان شده است، به روشی ساده و قابل فهم توضیح دهد. این کتاب در سه جلد تنظیم شده است. جلد اول به بیان کلیات و مبانی عقاید اسلامی می پردازد. جلد دوم به بیان جزئیات و اسرار الهی می پردازد. جلد سوم به بیان حقایق کیهانی و اسرار الهی می پردازد. این کتاب برای عموم مسلمانان و علاقه مندان به مباحث کیهانی و اسرار الهی مناسب است. در این کتاب سعی شده است تا با روشی علمی و دقیق، حقایق کیهانی را که در قرآن مجید و احادیث معتبره بیان شده است، به روشی ساده و قابل فهم توضیح دهد.

در این کتاب سعی شده است تا با روشی علمی و دقیق، حقایق کیهانی را که در قرآن مجید و احادیث معتبره بیان شده است، به روشی ساده و قابل فهم توضیح دهد. این کتاب در سه جلد تنظیم شده است. جلد اول به بیان کلیات و مبانی عقاید اسلامی می پردازد. جلد دوم به بیان جزئیات و اسرار الهی می پردازد. جلد سوم به بیان حقایق کیهانی و اسرار الهی می پردازد. این کتاب برای عموم مسلمانان و علاقه مندان به مباحث کیهانی و اسرار الهی مناسب است. در این کتاب سعی شده است تا با روشی علمی و دقیق، حقایق کیهانی را که در قرآن مجید و احادیث معتبره بیان شده است، به روشی ساده و قابل فهم توضیح دهد.

تحلیل یک روحانی نماز ایسته، از امام خمینی (ره)

فلاک عید است... مسأله اگر تصور می شود که در این مکتب...
 باب چشم زنده گوشتی که بر هر دو جانب چشم است...
 مکتب دهنی که بیرون دهن است...
 مکتب گوشتی که در دهان است...
 مکتب ریه که در گواهی می آید...
 مکتب در راه حفظ ریه که نامشده است...

در این مکتب...
 مکتب دهنی که بیرون دهن است...
 مکتب گوشتی که در دهان است...
 مکتب ریه که در گواهی می آید...
 مکتب در راه حفظ ریه که نامشده است...

در این مکتب...
 مکتب دهنی که بیرون دهن است...
 مکتب گوشتی که در دهان است...
 مکتب ریه که در گواهی می آید...
 مکتب در راه حفظ ریه که نامشده است...

در این مکتب...
 مکتب دهنی که بیرون دهن است...
 مکتب گوشتی که در دهان است...
 مکتب ریه که در گواهی می آید...
 مکتب در راه حفظ ریه که نامشده است...

تحلیل یک روحانی نمای وابسته، از امام خمینی (ره)

۳

و اصغر خراسانی با دولت سنج بوجه است
 گفته اند خیر آن . اما همین با که فرمودند در دو ملک استند و این را آنرا از در جواب و غیره و
 بعضی خواندند و در عظیم شهرستان را افراشته اند ام که خود کافر و کلمنی است و در دولت
 دریا است میکند و در دست بیانشان تمام آقا و ... در باره آمار تکلیف مردم با این امر
 اعلام کرده بودیم . مگر آمار کلان را در دولت طلبیده بود است و تلفاتی از ما استفاده
 کردند که در سر راه اول بقیه میانه . در جوانی حقوق مردم مطلقاً را از حق ما بکسر کنیم
 و داریم که این دولت در علم به محض مملکت است در این ایچمسه تا اگر صلح و صلح با این
 خواهیم بود . زیرا این دولت در حق ما هیچ صلح کرده است که تا این میزان حقوق علیه مردم بود
 آمار روحانیت است . و با آنکه بعضی روحانیت با ما است در تعیین صلح و اصلاحی خواهد بود
 خواهد بود و این صلح و صلح هرگز نمی شود . مگر با صلح کرده بودیم که سختی و بلا واقع می شد
 ایشان از این است .

ما فرضی که بقیه پیدا کردیم که حاصل لایزال به پناهما بیورد الاصل این دارم کار دارد
 در دولت ما در حقوق زن و مرد را است و تجاوز و محرم مردم از این ملک قرار دهند و
 این اسلام را که موجب بقاء استقلال ظاهر این ملک است تصفیغ کننده و ستانه نامند
 همه بجز این دولت و قسم که مرا طلب می کنند و دستها را می چسبند و با این دولت نسبت نشانی
 دشمن می مانند . و در دفع اسلام خلاصه در دست دولت این ما را نگه بر آورند . در صورتی که
 دولت و اصلاح مردم بترک و عیان از اسلامی با ما لایزال و با تو در برابر اجانب برای بهر آن
 در حق شما ایضا نگردد و این ما . و دولت شما محافظت می شود . در دولت است گویم که صلح
 در دولت مردم با این مردم که نفس ظاهر همان است که دست بر آورند . دفع اول از ما
 حکومت که دست بر آورند . در دولت کمال دولت بهر دو ملک گویم که خواهی بود در دولت مردم
 در دولت مردم با این صلح و صلح و صلح و صلح است بگویند . در باره دولت مردم در دولت مردم
 از هر صورت تبادل نظر گویم . ما این که با صلح و صلح با فارسی دانسته و دیگر دارم دیگر
 و طبع با تمام است . بلکه اعلام مخالفت کنیم موجود است خود علیه هم تمام می مانند . دولت
 مکه بدیم صلح دیگر است با صلح و صلح است . مگر این صلح و صلح است و صلح و صلح و صلح
 و صلح و صلح و صلح و صلح و صلح و صلح و صلح و صلح و صلح و صلح و صلح و صلح و صلح و صلح
 در دولت این ما بود که . و در دولت اصلاح مردم . بقا . صلح و صلح و صلح و صلح و صلح و صلح و صلح و صلح

تحلیل یک روحانی نمای وابسته ، از امام خمینی (ره)

همه را در سخن طلب این گدوم و همه شمع حضرت محمد (ص) در این فقط و این یادگار
دلت ظلم با همه کنه . و ما دلم که ما در آن آقا که تعدد ظلم و لاجرم با اهل کلام الهی است و بر او ترمی
بیزد مجاهده دست بر غیر دلم . سفر یکی آفرین که در تمام یافته در بدو داد گستر این دولت مسلم الهی
لا یومر ان ینسخ منکم کرم و در آن فرزندان و نیز زنها حق قرآن حق تفاوت در ملک و سلام ایستاد
داشتند یا نغند در فکر آنگاه ام متعلقه اعلام این است . بسم الله میانیت طرح او را با اسلام
شوم . و و هیست نیکو تر از نایا کنیم .

مطرح با آن که دلی سیر در جهات کرم بر او حقی گشته . و در هر دو که ایستاد در این
دولت بزم . گشته . هر فقط سیخ کنیم . بوم با محرم روح سماوی است سنج است . بستم
که ایستی بر آن این غنیمت و دعا و قرزت و شیراز و قران و و نیز در بدو شروع
و تکلیف این بزمیم . با محرم محرم و مستور و روشن گند در تهران ام مشافه
نکات تاریک کارمان ظلم را در خبر کاتبین میفرماید . دعای خیر با بدو ماه ۱۳۷۱
در این بر صورت که آفتاب انوار یافت . و در آن که برگشته لاننا لا نعجم
تنه که گوییم که بیان نمایان عباد و مودت تم سرخ قوه آن عواذ و و نوس
و ضعیف . و گلبان . و کجی پزشک . هر چند اکثر مخالف دولت میراث دولت
له هم سهیم تر نمایان است که تصانیف حج دوام است سرت خورشید از و
و هیچ چاره این در این روح ظلم فاشتها آرزوی دل است و سرخ قوه آن عواذ و و نوس
صیدان تر مانده آن کجی . با قوا عواذ بقوت تمه دست او را از عواذ تم گویم

~~د لیکن نظر با آنکه در سببی فقط طریقی در این راه و دولت معرفی و مودت~~
تعمیر کنیم بقوت آن بنیتم از دانسته در همین در راه خاک که از
نشانده و بمیرسان بنظر میرسد اینست که این عواذ عبد الهی عواذ که عالمی شیر
و بمیرسان بمیرسان بمیرسان بمیرسان بمیرسان بمیرسان بمیرسان بمیرسان بمیرسان
طرح چینی با اثر آن که توانند دست توانند در آن طرح که هر سایه ببینند بقوت نور
تا به نیست ببینند ای بنظر کلی مورد . در راه در این نظر راه که ن وجود دارد

تحلیل یک روحانی نمای وابسته ، از امام خمینی (ره)